

# دفاتر حقوقی دکتر شاهین صداقت

وکیل رسمی دادگاه های  
کالیفرنیا و فدرال



✓ دفاع در دادگاه های مهاجرت ( اخراج )

✓ ویزاهای کوتاه مدت کاری

✓ ویزاهای تحصیلی

✓ کارت سبز از طریق خانواده

✓ کارت سبز از طریق کار

✓ مشاوره با افرادی که در بازداشت هستند

پیشنهاد میکنیم برای بر طرف کردن موانع مهاجرتی از

وکلائی رسمی استفاده نمائید و قبل از استرداد تقاضای

ویزا با آنان مشورت نمائید.

**(818) 382-3333**

**(818) 382-3319**

15250 VENTURA Blvd, #802

www.visaattorney.com

کارهای حاجی شد ... آنچه زیادی بود در انباری گذاشت. در آن را مهر و موم کرد، آنچه فروختنی بود فروخت، چند پاراگراف بعد زن و بچه های او را در خانه کوچکتر برد، خانه شخصی آنها را کرایه داد ... و از صبح تا شام مشغول دوندگی و سرکشی به علاقه و املاک حاجی بود.

به این ترتیب، روشن می شود که زن حاجی صمد پس از سالهای بسیار زندگی با او و داشتن فرزندان متعدد هیچ گونه اختیاری حتی برای انتخاب محل زندگی خود و اداره اموال و اثاثیه و دارایی های خود و فرزندانش ندارد.

آتش زده بود، هر روز از صبح زود که بلند می شد به فکر این بود که درآمد حاجی را زیاده تر بکند ... دارایی او را به جریان انداخت و از صبح تا شام مشغول دوندگی و سرکشی به علاقه و املاک حاجی بود.

به این ترتیب رابطه داش آکل با کار پس از کسب موقعیت قیومیت علاقه و املاک حاجی و دل بستگی به مرجان تغییر می کند. او به تدریج از زندگی لوطی وار گذشته اش فاصله می گیرد و دگرگون می شود. اما نقش و وظایف جدید او در زندگی چیست و این دگرگونی به چه معنا است؟ داش آکل در واقع به جای



نقل و انتقال او، مرجان و فرزندان دیگرش مثل اثاثیه و باقی ماترک شوهر با اختیار تام و تمام داش آکل انجام می شود. اکنون زن حاجی صمد و مرجان در قلمرو قیومت داش آکل قرار دارند و سرنوشتشان به عزم و اراده او بستگی پیدا کرده است. این وضعیت هنگام عروسی مرجان نیز خود را با قوت تمام به ما می نمایاند. هنگام عروسی مرجان، داش آکل زن و بچه حاجی را دوباره به خانه شخصی خودشان می برد و اتاق بزرگ ارسی دار را برای پذیرایی مهمان های مردانه معین می کند، همه کله گنده ها، تاجر ها و بزرگان شهر شیراز را به این جشن دعوت می کند، جهاز مرجان را تهیه و برای شب عقدکنان جشن شایانی آماده می کند. از این جملات چه چیزی را می توان دریافت به جز انفعال تحمیلی بر زن حاجی صمد هنگام رویارویی با مهمترین وقایع زندگی یک زن در مناسبات سنتی، یعنی تصمیم گیری در مورد ازدواج دخترش - در این مورد نیز داش آکل آمر مطلق بوده است - تهیه جهاز و سروسات عروسی و دعوت از مهمانان و غیره. انجام همه این امور توسط داش آکل بنا به تاویل مردانه از احساس مسئولیت شدید لوطی بزرگوار شهر نشات می گیرد، نه از قیوم مایی مقتدرانه و مذکرگونه ای که مطابق فرهنگ و سنت های زمان هرگونه اختیار عمل و آزادی تصمیم گیری را از زنان سلب می کند.

ادامه دارد

حاجی صمد سرپرست خانواده و املاک و دارایی های او شده است. نقش مردانه لوطی در زندگی داش آکل با نقش مردانه سرپرست و قیم و ولی و خلاصه همه کاره و تصمیم گیرنده اصلی زندگی زن و فرزندان حاجی صمد تعویض شده است. او که مرد اول محله بود اکنون رئیس خانه و خانواده و املاک حاجی و تعیین کننده اصلی مسیر زندگی زن و فرزندان او است. حال بینیم موقعیت جدید داش آکل چه تاثیری بر زندگی زن حاجی صمد و مرجان دارد.

## موقعیت زنان در داستان داش آکل

حضور غایب وار زنان داستان از زمانی مطرح می شود که حاجی صمد سرپرست آنان - شوهر و پدر - می میرد. آن دو می خواهند که از حصار اندرونی به در آیند و حضوری مستقل یابند، نخستین برخورد زن حاجی صمد با داش آکل و نخستین نگاه آزاد این دو زن از اندرونی به بیرونی است، اما سایه سهمگین سرپرست بعدی که به سرعت جانشین اولی می شود این مجال و فرصت را از آنان می گیرد و آن دو بار دیگر به اعماق اندرونی پرتاب می شوند اما این بار به فضایی حتی کوچکتر از قبل و با تجهیزاتی کمتر، چون قیم جدید بدون مشورت با آنان صلاح شان را این گونه تشخیص می دهد و تصمیم می گیرد.

داش آکل از روز بعد مشغول رسیدگی به



## قسمت دوم

بخش اول داستان که در قهوه خانه پاتوق داش آکل می‌گذرد این فضای ستیزه جویی، تحقیر، و رجزخوانی مردانه را به خوبی نشان می‌دهد. در این فضا است که خواننده تحسین بار با داش آکل و کاکارستم و شدت کینه توزی آنان به یکدیگر آشنا می‌شود. رقابت و خصومت مردانه بر سر قدرت در محله برای ابرمرد بودن در شهر یکی از انگیزه‌های تو خالی کینه آن دو به یکدیگر است و علت اینکه آن دو سایه یکدیگر را با تیر می‌زند. در این رجزخوانی‌ها، تحقیر زن و به رخ کشیدن برتری صفات مردانه - مثل غیرت - مشهود است. برای مثال، آنجا که داش آکل برای تحقیر کاکارستم یک مشت متلک بارش کرده به او می‌گوید: کاکا، مردت خانه نیست... این بی‌غیرت بازی‌ها... را کنار بگذار.

کاکارستم که از برخورد‌های تحقیرآمیز داش آکل در قهوه خانه غرور جاهلی مردانه‌اش جریحه دار شده است، داش آکل را به نبرد شبانه دعوت می‌کند. برنده این نبرد اول مرد محله خواهد بود. آرزویی که کاکارستم دارد تصرف جایگاه رفیع داش آکل در سلسله مراتب قدرت مردانه محلی است. نتیجه این جدال‌ها همواره روشن است: شکست حریف ضعیف‌تر و به دنبال آن خوار و مطیع شدن

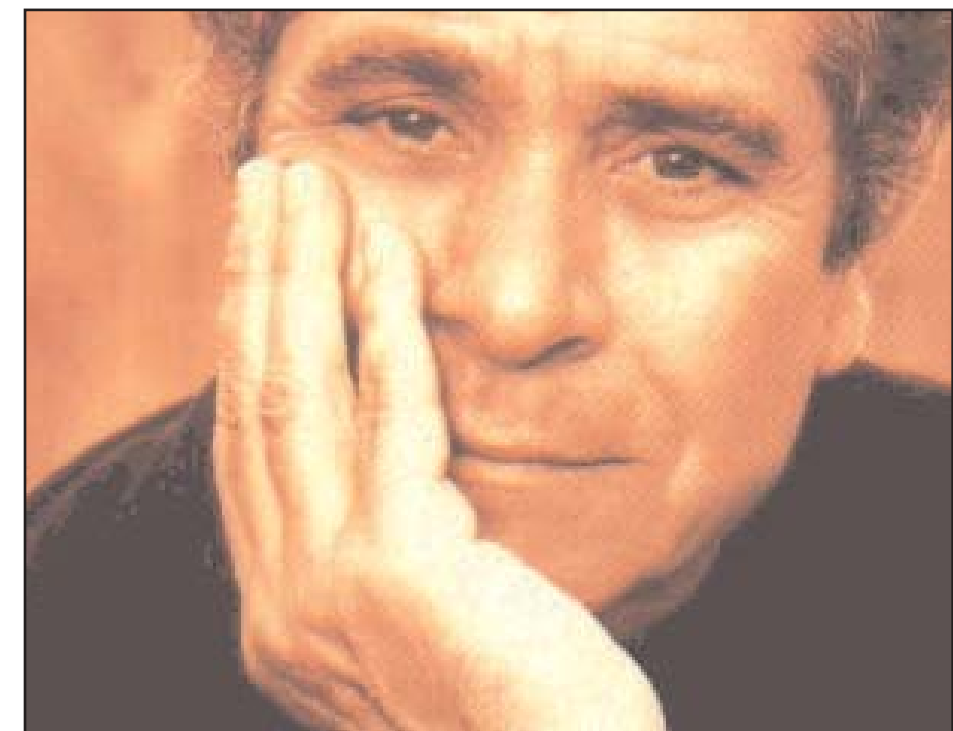


ناموس مردان محله و ناموس لوطی آن محسوب می‌شده اند و دفاع از ناموس آنان در برابر مردان غیرخودی - مردان محلات دیگر - نشانگر غیرت و تعصب مردانه لوطی و جزو وظایف اصلی و مهم او بوده است.

در همان حال که داش آکل محله سردزک را قرق می‌کرد اگر اجل برگشته ای با زنی شوخی می‌کرد دیگر جان سلامت از دست داش آکل به در نمی‌برد. بدیهی است که این حفاظت‌های ناخواسته و تحمیلی تا چه حد آزادی عمل و رفتار زنان را در محلات سلب می‌کرده و نافی استقلال عمل فردی آنان بوده است. زنان که در وهله نخست زندانی و اسیر خانه‌هایی تحت ریاست پدران، برادران و یا

ضعیف در برابر قوی و حتی در مواردی کشته شدن یکی از طرفین نزاع، نتایج خشونت بار این جدال‌ها، البته بر مبنای ارزش داورهای مردانه، با دادن صفت‌های لوطی، داش و پهلوان به طرف پیروز ارزیابی می‌شده است و چه بسا هنوز هم بشود. مردم در این منازعات نقشی ندارند و هرچه هست در میان قدرت‌های محلی می‌گذرد. در آن سالها و در آن فضاها قانون و دولت نقش چندانی ندارند و حرف اول در محلات را قلدرها و بزن بهادرها - حاکمان اصلی محله - می‌زنند.

یکی دیگر از کارهای داش‌ها و لوطی‌ها قرق کردن محله‌ها بوده است. رسمی قدیمی در ایران مرد سالار. ابتدا لوطی یا اول‌لات محله‌ها را قرق می‌کرده اند یعنی بر تمام امور نظارت می‌کرده و فرمان می‌رانده اند. یکی از جنبه‌های قرق کردن، کنترل زنان - به نام دفاع و حمایت از آنان - در محل بوده است. زنان محله



خاص مردانه، صفت قیم بودن و حافظ ناموس بودن خصیصه ای مثبت و از دید زنان دخالت موهنی در زندگی جنسی آنان و تجاوز به حقوق انسانی‌شان بوده است.

سلطه داش آکل بر فضای مادی و معنوی محله او حکایت از تسلط ابرمرد بر فضا و انسان‌های پیرامون او دارد. به عبارتی سایه سنگین داش آکل بر محله سنگینی می‌کرد. غم او برای محله ناراحتی و شادی‌اش شادی می‌آورد. به عنوان مثال: تغییر فضای قهوه خانه پس از آنکه خبر وصی شدن خود را از پیشکار حاجی صمد می‌شنود و از اینکه در چنین دغمصه ای افتاده است حالتش تغییر می‌کند. داش آکل سرگرمه اش را در هم کشید. با تفتن

# بازخوانی داستان داش آکل



به چپش پک می‌زد و مثل این بود که ناگهان روی هوای خنده و شادی قهوه خانه از ابرهای تاریک پوشیده شد.

داش آکل از احساس مسئولیت بدش می‌آید، اما اکنون طبق وصیت حاجی صمد وکیل و وصی او شده است. از اینکه حاجی او را توی دغمصه انداخته است به هیچ وجه راضی نیست. او همان طور که به زن حاجی صمد می‌گوید آزادی خودش را از همه چیز بیشتر دوست دارد و به قول راوی داستان کسی است که زندگی‌اش را به مردانگی و آزادی و... گذرانیده است. اما حالا که از نظر خودش زیر دین مرده رفته است به زن حاجی صمد قول می‌دهد که این کار را انجام دهد. در ضمن او که در نخستین نگاه دل‌باخته مرجان شده است مسئولیت وکیل و وصی شدن حاجی صمد و عشق به مرجان یکباره در زندگی او تغییر اساسی ایجاد می‌کند.

کسی که توی مال خودش توپ بسته بود و از لابلای گری‌مقداری از دارایی خودش را

شوهران بوده اند، به محض خروج از خانه تحت قیومت و نظارت لوطی‌های محله قرار می‌گرفتند. یعنی از اندرونی خانه پا به اندرونی محله می‌گذاشتند و آزادی - راه رفتن، حرف زدن، خندیدن و معاشرت با دیگران، به ویژه با غیرخودی‌ها! برای آنان معنایی نداشت.

مسائل اخلاقی یکی از زمینه‌هایی است که معیار ارزش اخلاقی مردانه همواره برخلاف منافع زنان عمل کرده است. مردان همواره خود را حافظ و مدافع ناموس زنان خودی در برابر مردان غیرخودی دانسته اند. البته این امر مردان خودی را در بر نمی‌گیرد. دفاع از ناموس مادر، خواهر و زن دفاع از ناموس خانه، دفاع از ناموس دختران و زنان محله خود در برابر مردان محلات دیگر و بالمال دفاع از ناموس زنان کشور در برابر کشورهای بیگانه به نام غیرت مردانه، غیرت محلی و غیرت ملی در واقع توهین مستقیم و آشکار به هویت مستقل زنان و سلب آزادی‌های انسانی آنان بوده است. به بیان دیگر، در جهان مردان و با معیارهای ارزشی